

پیام های ادعیه روزانه ماه مبارک رمضان

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

یکی از موضوعات قابل بحث در ماه مبارک رمضان، ادعیه روزانه این ماه است. هر یک از دعاهاى این ماه حاوی چند پیام تربیتی است. در این مقاله از هر دعای روزانه، یک پیام گزینش شده و مطالبی جهت ارائه یک سخنرانی، به صورت مختصر و فشرده بیان شده است. مبلغان محترم می توانند مطالب مربوط به هر روز را با عنایت به دعای آن روز که در مفاتیح الجنان آمده است، براساس ذوق و سلیقه خود به عنوان یک سخنرانی ارائه کنند.

روز اول: هوشیاری

نشانه های غفلت

1 - پند نگرفتن از حوادث دنیا: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ (1)؛ غافلتترین مردم کسی است که از دگرگونی های دنیا پند نگیرد.»

دلت گر که یک لحظه غافل نشیند	خدنگ بلا بر دل دل نشیند
سر شب سر قتل و تاراج داشت	سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت

2 - بیهوده گذراندن عمر: قال علی (علیه السلام): «كفى بالرجل غفلة أن يضيّع عمره فيما لا يُنجيه (2)؛ تضييع عمر در راهی که موجب نجات انسان نمی شود، برای غفلت کفایت می کند.»

ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند || تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

3 - سرگرمی (بی فکری): قال لقمان لابنه: «لِلْغَافِلِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ أَلْسَهُ وَ أَلْهُو وَ النَّسْيَانُ؛ (3) لقمان به فرزندش گفت: غافل سه نشانه دارد: سرگرمی، حواس پرتی، فراموشی.»

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو || یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

نتایج غفلت

- 1 - نادانی: قال علی (علیه السلام): «مَنْ غَفَلَ جَهْل؛ (4) غافل نادان است.»
- 2 - قساوت قلب: قال الباقر (علیه السلام): «إِيَّاكَ وَ الْعَفْلَةَ، فَفِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ؛ (5) از غفلت بپرهیز، زیرا در آن قساوت قلب است.»
- 3 - هلاکت: قال علی (علیه السلام): «مَنْ طَالَتْ غَفْلَتُهُ تَعَجَّلَتْ هَلَكَتُهُ؛ (6) کسی که غفلتش طولانی شد، زود هلاک می شود.»
- 4 - مردن قلب: قال علی (علیه السلام): «مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْعَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ؛ (7) کسی که غفلت بر او غلبه کرد قلبش می میرد.»
- 5 - از دست دادن بصیرت: قال علی (علیه السلام): «دَوَامُ الْعَفْلَةِ يُعْمِي تُعْمِي الْبَصِيرَةَ؛ (8) ادامه غفلت بینش را کور می کند.»
- 6 - خسران: قال علی (علیه السلام): «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحَ، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا حَسِيرَ؛ (9) کسی که نفس خویش را محاسبه کند، سود برد و آنکه از آن غفلت ورزد زیان بیند.»

عوامل غفلت

- 1 - اموال و اولاد: قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ» (10) ؛ «ای اهل ایمان! مبادا هرگز مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کند.»
- 2 - امکانات رفاهی: قرآن کریم می فرماید: «أُولِيَاءَ وَ لَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ» (11) ؛ «لکن تو این کافران و پدرانشان را متمتع به دنیا و نعمت های دنیا گردانیدی تا آنکه از فرط سرگرمی به دنیای فانی، ذکر و قرآن تو را فراموش کردند.»

3 - فزونی طلبی: «الْهَآكُمُ التَّكَآثُرُ» (12) ؛ «بفریفت شما را فزونی جستن.»

این نوبت دوست دیگری نوبت نیست	این فرصت دوست دیگری فرصت نیست
بر خاک مریز باوه هستی را	چون جام تهی شد دگرت مهلت نیست (13)

روز دوم: قرآن

جایگاه قرآن

«لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (14) ؛ «(ای رسول) اگر ما این قرآن را بر کوه نازل می کردیم مشاهده می کردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می گشت.»

برخی از ویژگی های قرآن

- 1 - وسیله رحمت و هدایت: «هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (15) ؛ «هدایت و رحمت برای مؤمنان است.»
 - 2 - رهبر: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا وَ قَائِدًا؛» (16) بر شما باد به قرآن، آن را پیشوا و رهبر خویش قرار دهید.»
 - 3 - برترین گفتار: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» (17) ؛ «خداوند برترین گفتار را نازل کرد.»
 - 4 - شفای دردها: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ» (18) ؛ «ما آنچه از قرآن می فرستیم شفای دل و رحمت است.»
 - 5 - جامعیت: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) «مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، فَلْيُتَوَرَّ الْقُرْآنَ؛» (19) هر کس علم اولین و آخرین خواهد، قرآن بخواند.»
- ملا صدرا در مقدمه تفسیر سوره مبارکه واقعه می فرماید: «بسیاری به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم ولی همین که چشم بصیرتم باز شد، خود را از علوم واقعی خالی دیدم، در آخر عمرم به فکر فرو رفتم که به سراغ تدبیر در قرآن و روایات محمد و آل محمد بروم. من یقین کردم که کارم بی اساس بوده است. زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم.
- از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع

به تفسیر و تدبر در قرآن کردم، در خانه وحی را کوبیدم درها باز شد و پرده ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می گویند: سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین. من که اکنون دست به نوشتن اسرار قرآن زده ام، اقرار می کنم که قرآن دریای عمیقی است که جز با لطف الهی امکان ورود در آن نیست ولی چه کنم عمرم رفت، بدنم ناتوان، قلبم شکسته، سرمایه ام کم، ابزار کارم ناقص و روحم کوچک است.» (20)

مرحوم فیض کاشانی در رساله انصاف می فرماید: «من مدت ها در مطالعه مجادلات متکلمین فرو رفتم و کوشش ها کردم ولی همان بحث ها ابزار جهل من بود. مدت ها در راه فلسفه به تعلم و تفهم پرداختم و بلند پروازی هایی را در گفته هایشان دیدم، مدت ها در گفت و گوهای این و آن بودم، و کتاب و رساله ها نوشتم و گاهی میان سخنان فلاسفه و متصوفه و متکلمین جمع بندی می کردم و حرف ها را به هم پیوند می دادم، ولی در هیچ یک از علوم دوائی برای درد و آبی برای عطش نیافتم. بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم، تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.»

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «و این جانب از روی جد؛ نه تعارف معمولی می گویم که از عمر به باد رفته خود تاسف دارم. شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاه ها را به شؤونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن توجه دهید، تدریس قرآن را در هر رشته ای محط نظر و مقصد اعلی (نه در حاشیه) قرار دهید. مبادا خدای نخواستہ در آخر عمر که ضعف و پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.» (21)

روز سوم: جهالت

برخی از نتایج جهل

- 1 - انحراف عقیدتی: «يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ» (22) ؛ «به خداوند گمان ناروا می برند، گمان جاهلیت.»
- 2 - خود بزرگ بینی
- 3 - خود محوری
- 4 - تخطئه دیگران
- 5 - گمراه دانستن دیگران
- 6 - انکار و تکذیب
- 7 - لجاجت
- 8 - خودپسندی

قال علی (علیه السلام): «إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ - بما جَهِلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ - عَالِمًا، وَ بِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًا، فَمَا يَزَالُ لِلْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا وَ عَلَيْهِمْ زَارِيًا، وَ لِمَنْ خَالَفَهُ مُخْطِئًا، وَلِمَا لَمْ يَعْرِفْ مِنَ الْأُمُورِ مُضِلًّا، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأُمُورِ مَا لَمْ يَعْرِفْهُ أَنْكَرَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ قَالَ بِجَهَالَتِهِ: مَا أَعْرِفُ هَذَا! وَ مَا أَرَاهُ كَانَ! وَ مَا أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ! وَ أَنَّى كَانَ؟! وَ ذَلِكَ لِثِقَتِهِ بِرَأْيِهِ وَ قِلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ! فَمَا يَنْفَكُ بِمَا يَرَى مِمَّا يَلْتَبِسُ عَلَيْهِ رَأْيُهُ مِمَّا لَا يَعْرِفُ لِلْجَهْلِ مُسْتَفِيدًا، وَ لِلْحَقِّ مُنْكَرًا، وَ فِي الْجَهَالَةِ مُتَحَيِّرًا، وَ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ مُسْتَكْبِرًا؛ (23) نادان کسی است که خود را نسبت به نادانسته هایش دانا شمارد و نظر خود را کافی بداند، هر کس با وی مخالفت کند او را در اشتباه پندارد و ناآگاهان را گمراه کند، هرچه را نداند انکار و تکذیب کند، حقیقت را انکار نموده و در لجابت جری باشد و در طلب دانش، خودپسندی کند.»

پند گفتن با جهول خوابناک	تخم افکندن بود بر شوره خاک
چاک حمق و جهل نپذیرد رفو	تخم حکمت کم دهش ای نیکخو
زانکه جاهل جهل را بنده بود	هر چه پندش می دهی او نشنود (24)

روز چهارم: چشیدن حلاوت ذکر خدا

آثار یاد خدا

1 - قوت روح: قال علی (علیه السلام): «مُدَاوَمَةُ الذِّكْرِ قُوْتُ الْأَرْوَاحِ؛ (25) مداومت یاد خدا موجب قدرت جان هاست.»

2 - زنده دلی: قال علی (علیه السلام) «فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ.» (26)

3 - روشنی قلب: قال علی (علیه السلام): «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقُلُوبِ.» (27)

4 - اطمینان قلب: قال تعالی: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.»

در مناجات الذاکرین می خوانیم:

«إِلَهِي لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَتَزَهَّيْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِلَيْكَ، عَلَى أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي، لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي، حَتَّى أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيرِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ؛ خدایا اگر امر تو نبودی، من تو را منزّه تر از آن می دانستم که ذکر تو کنم، چون ذکر من به قدر توان من است نه به قدر مقام تو ... خدایا ذکر تو را در خلوت و جلوت و شب و روز و در ظاهر و باطن و در حال خوشی و ناخوشی به ما الهام فرما و ما را به ذکر خفی مانوس کن ... خدایا از هر لذتی غیر از لذت یاد تو طلب بخشش می کنم.» (28)

روز پنجم: عبادت

قال تعالى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (29)؛ «ای مردم، خدایی را بپرستید که آفریننده شما و مخلوقات قبل از شماست، باشد که پارسا و منزه شوید.»

گام اول در بندگی

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَصْلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ وَ نِظَامُ تَوْحِيدِ (30)؛ اولین گام بندگی، شناخت خدا و اصل شناخت او به توحید است.»

جایگاه عبادت

- 1 - هدف خلقت: قال تعالى: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (31)؛ «جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا بپرستند.»
- 2 - رستگاری: قال على (عليه السلام): «العبادة فوز؛ (32) عبادت رستگاری است.»
- 3 - نشانه عنایت خداوند: قال على (عليه السلام): «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ؛ (33) وقتی خداوند بنده ای را دوست بدارد خوب عبادت، کردن را به او می آموزد.»
- 4 - بهترین وسیله تقرب به خدا: قال على (عليه السلام): «مَا تَقَرَّبَ مُتَقَرِّبٌ بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ؛ (34) هیچ چیز مانند عبادت انسان را به خدا نزدیک نمی کند.»

شرایط عبادت

- 1 - فهم دین: امام سجاد (علیه السلام): «لَا عِبَادَةَ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ (35) عبادتی کامل نیست مگر با فهم.»
- 2 - آگاهی: قال على (عليه السلام): «لَا حَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَا عِلْمَ فِيهَا؛ (36) عبادتی که با آگاهی همراه نباشد، خیری در آن نیست.»

3 - حضور قلب: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ؛ (37) خدا را آن گونه عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.»

روز ششم: گناه

بعضی از گناهان

- 1 - ترک واجبات: قال الصادق (عليه السلام): «لا ينظر الله الى عبده و لا يزكّيه لو ترك فريضة؛ (38) بنده ای که یکی از واجبات را ترک کند، خداوند به او نظر رحمت نمی کند و او را پاک نمی کند.»
- 2 - حرام خواری: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ (39) هرگاه لقمه حرامی در شکم بنده قرار گیرد، ملائک آسمان و زمین او را لعنت می کنند.»
- 3 - سحر: قال علي (عليه السلام): «مَنْ تَعَلَّمَ شَيْئًا مِنَ السِّحْرِ قَلِيلًا أَوْ كَثِيرًا فَقَدْ كَفَرَ؛ (40) هر کسی چیزی از سحر یاد بگیرد، زیاد باشد یا کم کافر شده است.»
- 4 - کمک به ستمگران: قال الصادق (عليه السلام): «الْكَبَائِرُ ... وَ مَعُونَةُ الظَّالِمِينَ وَ الرُّكُونُ إِلَيْهِمْ؛ (41) کمک به ستمگران و میل به آن ها از گناهان کبیره است.»
کسی که نمی تواند ترک گناه کند چه کند؟
شخصی خدمت وجود مقدس حضرت ابا عبدالله الحسین (عليه السلام) رسید و گفت: من مرد گناهکاری هستم که صبر از گناه ندارم، مرا موعظه کن.
حضرت فرمود: با پنج شرط هرچه می خواهی گناه بکن:
- 1 - روزی خدا را نخور، هر چه می خواهی گناه کن: «لَا تَأْكُلْ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.»
- 2 - جایی پیدا کن که خدا تو را نبیند و هر چه می خواهی گناه کن: «اطْلُبْ مَوْضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.»
- 3 - از ولایت خدا خارج شو و هر چه می خواهی گناه کن: «أَخْرُجْ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.»
- 4 - جان به عزرائیل نده و هر چه خواهی گناه کن: «إِذَا جَاءَكَ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنْ نَفْسِكَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.»
- 5 - به جهنم برو و هر چه می خواهی گناه کن: «إِذَا أَذْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ.»

(42)

وای بر حال کسی که آحادش بیش از اعشارش باشد

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «ان الله تعالى قال: الحسنه عشرة و ازيد و السيئه واحدة و اغفر فالويل لمن

غلبت آحاده اعشاره؛ (43) خداوند ثواب را ده برابر و بیشتر از ده برابر پاداش می دهد اما کیفر گناه یکی بیش نیست، آن هم ممکن است بخشیده شود. پس وای به حال کسی که یکی های او از ده هایش بیشتر باشد.»

روز هفتم: نماز

وجوب نماز

قال تعالى: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (44) ؛ «نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و لازم است.»

اهمیت نماز

- 1 - مقدم بر اعمال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ» (45) اولین چیزی که روز قیامت در اعمال بنده مورد توجه قرار می گیرد، نماز اوست.»
- 2 - وسیله تقرب: قال على (عليه السلام): «الْصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقَى» (46) نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری است.»
- 3 - بهترین اعمال: قال على (عليه السلام): «أَوْصِيَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَ حِفْظِهَا، فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ» (47) شما را به نماز و حفظ آن سفارش می کنم، بدرستی که بهترین اعمال نماز است.»
- 4 - سنگر مبارزه با شیطان: قال على (عليه السلام): «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» (48) نماز سنگری است برای در امان ماندن از نفوذ شیطان.»
- 5 - مانع ضد ارزش ها: قال تعالى: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (49) ؛ «نماز اهلش را از هر کار زشت باز می دارد.»

آثار ترک و سبک شمردن نماز

- 1 - جهنمی شدن: قال تعالى: «فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (50)؛ «بهشتیان سؤال می کنند چه چیزی شما را جهنمی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»
- 2 - محرومیت از الطاف الهی: قال تعالى: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (51)؛ «وای بر نمازگزارانی که دل از یاد خدا غافل دارند.»
- 3 - دوری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): پیامبر اکرم فرمود: «لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ» (52) کسی که نمازش را سبک بشمارد از من نیست.»
- 4 - محرومیت از شفاعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): پیامبر اکرم فرمود: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي غَدًا مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا» (53) کسی که نماز واجب را از وقت آن به تاخیر اندازد، در قیامت شفاعت من به او نمی رسد.»

روز هشتم: یتیم نوازی و سیر کردن گرسنگان

قال علی (علیه السلام): «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ فَلَا تُعْبُوا أَفْوَاهَهُمْ وَ لَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ» (54) خدا را خدا را درباره ایتام، نکند آنان گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند و حقوقشان ضایع شود.»

آثار و نتایج سرپرستی ایتام

- 1 - بهشت: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَغْنِيَ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ» (55) هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود، خداوند بهشت را بر او واجب می کند.»
- 2 - همنشینی با پیامبر (صلی الله علیه و آله): پیامبر اکرم فرمود: «أَنَا وَ كَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ» (56) من و کسی که یتیمی را سرپرستی می کند، مانند این دو (انگشت) در بهشت کنار یکدیگر خواهیم بود.»

روز نهم: رحمت خداوند

گسترش رحمت خداوند

قال تعالى: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»؛ (57) «رحمت من همه موجودات را فرا گرفته است.»

موجبات رحمت خداوند

- 1 - احسان و نیکی: قال تعالى: «اللَّهُ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (58)؛ «البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»
- 2 - ایمان و اعتقاد به خدا: قال تعالى: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ.» (59)
- 3 - یاد خدا: قال علی (علیه السلام): «بذكر الله تستنزل الرحمة؛ (60) رحمت خداوند به واسطه ذکر او نازل می شود.»
- 4 - عفو و گذشت: قال علی (علیه السلام): «بِالْعَفْوِ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ؛ (61) رحمت به واسطه عفو و بخشش نازل می شود.»
- 5 - اطاعت خدا و رسول: قال تعالى: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (62) ؛ «از خدا و رسول اطاعت کنید که مشمول حمت خدا شوید.»
- 6 - اندیشه و تفکر: قال علی (علیه السلام): «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ.» (63)
- 7 - موعظه پذیری: قال علی (علیه السلام): «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اتَّعَظَ» (64) ؛ انسان پندپذیر مشمول رحمت خداست.»
- 8 - استغفار: قال تعالى: «لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (65) ؛ «چرا از کردار زشت استغفار بدرگاه خدا نمی کنید تا شاید مشمول رحمت خدا شوید.»
- 9 - ترحم بر ضعفا: قال علی (علیه السلام): «رَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ؛ (66) ترحم بر ضعیفان موجب نزول رحمت خداست.»
- 10 - مراقبه: قال علی (علیه السلام): «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا رَاقِبَ ذَنْبِهِ وَ خَافَ رَبَّهُ؛ (67) خداوند رحمت کند کسی را که گناهانش مد نظرش باشد و از خدا بترسد.»

روز دهم: سعادت

تعریف سعادت

قال الصادق (عليه السلام): «السَّعَادَةُ سَبَبٌ خَيْرٌ تُمْسِكُ بِهِ السَّعِيدُ فَيَجُرُّهُ إِلَى النَّجَاةِ (68)؛ سعادت وسیله خیری است که سعادت‌مند به کمک آن به رستگاری رهنمون می شود.»

سعادت‌مند کیست؟

- 1 - مخلص: قال علی (عليه السلام): «السَّعِيدُ مَنْ أَخْلَصَ الطَّاعَةَ (69)؛ سعادت‌مند کسی است که طاعتش را برای خداوند خالص گرداند.»
- 2 - پیروان علی (عليه السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَطَاعَكَ وَتَوَلَّاهُ مِنْ بَعْدِي (70)؛ یا علی! سعادت‌مند کامل و حقیقی کسی است که بعد از من، از تو اطاعت کند و پس از من ولایت تو را بپذیرد.»
- 3 - اهل محاسبه: قال علی (عليه السلام): «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ (71)؛ کسی که به محاسبه نفس بپردازد، سعادت‌مند می شود.»
- 4 - همنشین علما: قال علی (عليه السلام): «جالس العلماء تسعد (72)؛ با دانشمندان همنشین باش تا سعادت‌مند شوی.»
- 5 - فرزند صالح داشتن: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ (73)؛ فرزند صالح از سعادت انسان است.»

روز یازدهم: توفیق احسان

احسان چیست؟

- 1 - سرشت نیکان: قال علی (عليه السلام): «الاحسان عزيمة الاخيار؛ (74) احسان سرشت نیکوکاران است.»
- 2 - زینت علم: قال علی (عليه السلام): «زينة العلم الإحسان؛ (75) احسان زینت علم است.»

3 - اوج ایمان: قال علی (علیه السلام): «رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ؛ (76) احسان راس ایمان است.»

آثار و نتایج احسان

- 1 - عنایت خداوند: قال تعالى: «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (77)؛ «خداوند با نیکوکاران است.»
- 2 - محبت الهی: قال تعالى: «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (78)؛ «نیکی کنید بدرستی که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»
- 3 - بذر دوستی: قال علی (علیه السلام): «الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيءِ يَسْتَصْلِحُ الْعَدُوَّ» (79)؛ نیکی به بد رفتار، دشمن را اصلاح می کند.»
- 4 - هدایت: قال تعالى: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ» (80)؛ «این است آیات کتاب (خدای حکیم) که رحمت و هدایت است برای نیکوکاران.»
- 5 - رحمت الهی: قال تعالى: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (81)؛ «البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»
- 6 - رفعت و بزرگی: قال علی (علیه السلام): «مَعَ الْإِحْسَانِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ» (82)؛ بلندی مرتبه و مقام به وسیله نیکوکاری به دست می آید.»
- 7 - عاقبت به خیری: قال علی (علیه السلام): «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسَنَتْ عَوَاقِبُهُ» (83)؛ هر کس به مردم نیکی کند، عاقبت به خیر خواهد شد.»

روز دوازدهم: عفاف

فضیلت عفاف

- 1 - برترین عبادت: قال الصادق (علیه السلام): «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ» (84)؛ بهترین عبادت پاکدامنی است.»
- 2 - مقام ملک: قال علی (علیه السلام): «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِّمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (85)؛ مجاهد در راه خدا پاداشش بیشتر از کسی نیست که در حالی که امکانات گناه دارد، پاکدامنی می کند. ای بسا پاکدامنی که ملکی از ملائک بوده باشد.»

- 3 - اساس نیکی ها: قال علی (علیه السلام): «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ (86)؛ پاکدامنی در راس تمام نیکی هاست.»
- 4 - زکات زیبایی: قال علی (علیه السلام): «زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ (87)؛ زکات زیبایی پاکدامنی است.»

موجبات عفاف

- 1 - رضایت به کفاف: قال علی (علیه السلام): «الرِّضَا بِالْكَفَافِ يُؤَدِّي إِلَى الْعِفَافِ (88)؛ راضی بودن به آنچه کفایت کند، موجب پاکدامنی می شود.»
- 2 - غیرت: قال علی (علیه السلام): «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِوَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ (89)؛ شخصیت مرد به اندازه همت او و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست.»
- 3 - قناعت: قال علی (علیه السلام): «أَصْلُ الْعِفَافِ الْقَنَاعَةُ (90)؛ اصل عفت، قناعت است.»
- 4 - عقل: قال علی (علیه السلام): «مَنْ عَقَلَ عَفَافٌ (91)؛ عاقل پاکدامن است.»

روز سیزدهم: تقوی

تقوی چیست؟

از امام صادق (علیه السلام) در مورد تفسیر تقوی سؤال شد، حضرت فرمود: «لَا يَفْقِدُكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ؛ (92) تقوی آن است که خداوند تو را در جایی که امر فرموده غایب و در جایی که نهی فرموده حاضر نبیند.»

آثار و نتایج تقوی

- 1 - نزول رحمت: قال تعالی: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (93)؛
- چنان که مردم آبادی ها همه ایمان و تقوا داشتند، درهای رحمت آسمان و زمین را برای آن ها می گشودیم.»

- 2 - خیر دنیا و آخرت: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «مَنْ رَزَقَ تُقَى فَقَدْ رَزِقَ حَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ (94) هر کس را تقوا روزی شود خیر دنیا و آخرت نصیبش شده است.»
- 3 - کرامت: قال تعالى: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ» (95) ؛ «گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»
- 4 - داروی امراض روحی: قال علی (عليه السلام): «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ (96) ؛ تقوا دواى دردهای روحی شماست.»
- 5 - قبولی اعمال: قال تعالى: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (97) ؛ «خداوند اعمال را از متقین می پذیرد.»
- 6 - عزت: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ (98) ؛ هر کس می خواهد عزیزترین مردم باشد، تقوا پیشه کند.»

روز چهاردهم: امتحانات الهی

زندگی برای هیچ کس به یک منوال نیست. گاهی انسان در غم و اندوه و بلا بسر می برد و زمانی در رفاه و آسایش و هیچ کس را پیدا نمی کنیم که در تمام دوران عمرش همواره مبتلا و یا همیشه در خوشی و راحتی باشد. اما هیچ یک از بلا یا خوشی نشانه بدی یا خوبی صاحب آن نیست، بلکه گاهی آسایش بیش از حد ریشه در استدراج دارد و گرفتاری نشانه لطف خداوند است برای کسب مقامات بالاتر.

آنچه مسلم است این است که در نظام طبیعت بدون آزمون و گرفتاری نمی توان به مراتب افراد واقف شد و اغلب افراد قبل از آزمایش خود را از موفق ترین افراد می دانند. پس وجود بلاها و ابتلائات برای شناخت درجات انسانی افراد ضروری است و اگر انسان به حال خود گذاشته شود حب نفس او را وادار به خودپسندی و طغیان خواهد کرد. خداوند می فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا» (99) ؛ «اگر خداوند سفره روزی بندگان را بگستراند، طغیان خواهند کرد.»

اما بلاها و امتحانات الهی گاهی کیفری اند و گاهی درجه ای و ضمناً گاهی فردی اند و زمانی جمعی و گروهی. تصویر تقسیم مذکور چنین است:

بلاها

1 - فردی

الف: کیفری: مثل از پا در آمدن نمرود توسط پشه

ب: درجه ای: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ»

2 - اجتماعی

الف: کیفری: مثل طوفان نوح

ب: درجه ای: مثل جریان شعب ابی طالب

اگر بلا درجه ای باشد، باید به استقبالش رفت چون ناز پرورده تنعم نبرد راه به جایی.

چنانکه گوشت خام به آتش پخته شود و تا پخته نشود شایسته خوان ملوک نگردد، آدمی هم خام است و جز به آتش مصائب و بلیات پخته نشود و تا پخته نشود شایسته بساط ملک الملوک جل جلاله نشود.

این بلای دوست تطهیر شماست	علم او بالای تدبیر شماست
پوست از دارو بلاکش می شود	چون ادیم (100) طایفی خوش می شود
در ره منزل لیلی که خطرهایست در آن	شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

اما اگر بلا، کیفری باشد، باید با توبه و استعانت از خداوند، زمینه های وقوع آن را از بین برد. و این جاست که می گوئیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ.» (101)

روز پانزدهم: شرح صدر

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (102) خداوند در اکثر نعماتی که به پیامبرش می دهد منت نمی گذارد اما در مورد نعمت شرح صدر به پیامبر منت می گذارد و می فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ.» (103)

موجبات شرح صدر

- 1 - انس با قرآن: «اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ قَلْبِي وَ شَرِّحْ لِي صَدْرِي» (104) خدایا چشمان مرا به وسیله کتاب خود نورانی کن و سینه ام را فراخی ده.
- 2 - اراده الهی: قال تعالی: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»؛ (105) «پس هر که خدا هدایت او را خواهد، قلبش را به نور اسلام روشن و وسیع می کند.»

روز شانزدهم: ابرار و اشرار

ویژگی های ابرار

1 - صاحب بهترین ها: قال تعالی: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ» (106)؛ «آنچه نزد خداست برای نیکان از هرچیز بهتر است.»

2 - غرق نعمت ها: قال تعالی: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (107)؛ «محققا نیکوکاران درون نعمت ها متنعم اند.»

ویژگی های اشرار

1 - پیشوایان گمراه و گمراه کننده: قال علی (علیه السلام): «إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ» (108)؛ بدترین مردم، پیشوایان گمراه و گمراه کننده اند.»

و نیز آن امام بزرگوار موارد زیر را از اشرار شمردند:

2 - «مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ؛ کسی که عذر را نمی پذیرد.»

3 - «مَنْ لَا يُبَالِي أَنْ يَرَاهُ النَّاسُ مُسِيئًا؛ کسی که ابا ندارد که مردم او را گناهکار ببینند.»

4 - «الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛ عالمان، زمانی که فساد کنند.»

5 - «الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ؛ سخن چینان.»

6 - «الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ؛ کسانی که بین دوستان تفرقه می اندازند.»

روز هفدهم: توفیق عمل صالح

بهترین اعمال

1 - «افضل الاعمال احمزها؛ (109) بهترین اعمال مشکل ترین آن هاست.»

- 2 - «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ» (110) بهترین اعمال چیزی است که انجام آن برایت ناگوار است.»
- 3 - «أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ» (111) بهترین اعمال عملی است که برای خدا باشد.»
- 4 - «افضل العمل ادمه و ان قل؛ (112) بهترین اعمال آنست که دوام داشته باشد ولو کم باشد.»
- 5 - «اطعام الطعام افضل الاعمال؛ (113) اطعام کردن بهترین عمل است.»

آثار عمل صالح

- 1 - رستگاری: «فاما من تاب و آمن و عمل صالحا فعسى ان يكون من المفلحين» (114) ؛ «پس هر کس به درگاه خدا توبه کند و عمل صالح انجام دهد امید است از رستگاران باشد.»
- 2 - حیات طیبه: «من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مؤمن فلنحيينه حياة طيبة» (115) ؛ «هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا انجام دهد، ما او را در زندگی سعادت‌مندانه زنده می گردانیم.»
- 3 - شعار مؤمن: «قال على (عليه السلام): «العمل شعار المؤمن (116) ؛ عمل شعار (نشانه) مؤمن است.»

روز هیجدهم: برکات ماه مبارک رمضان

معنای رمضان

رسول اکرم فرمودند: «انما سمى رمضان لانه يرمض الذنوب (117) ؛ به درستی که علت نامگذاری ماه مبارک رمضان به این نام این است که گناهان را می سوزاند.»

ویژگی های ماه مبارک رمضان

- 1 - برترین ماه ها
 - 2 - برترین روزها
 - 3 - والاترین شب ها
 - 4 - برترین ساعات
- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ایها الناس انه قد اقبل اليكم شهر الله... شهر هو افضل الشهور عند الله و ايامه افضل الايام و ليليه افضل الليالي و ساعاته افضل الساعات (118) ؛ ای مردم ماه خدا به سوی شما رو آورده است.... ماهی که در نزد خدا بهترین ماه ها است و روزهای آن بهترین روزها و شب هایش بهترین شب ها و ساعت هایش بهترین ساعت هاست.»

برکات ماه مبارک رمضان

- 1 - غفران الهی: «من ادرك شهر رمضان فلم يغفر له فابعده الله (119) ؛ کسی که ماه رمضان را درک کند و خدا

او را نبخشد، از حمت خدا دور است.»

- 2 - استجابت دعا: «دعائکم فیہ مقبول (120)» ؛ دعای شما در این ماه مستجاب است.»
- 3 - بسته شدن درهای جهنم: «تغلق فیہ ابواب النیران و یفتح فیہ ابواب الجنان (121)» ؛ در این ماه درهای جهنم بسته و درهای هشت باز می شود.»
- 4 - ایمنی از مکر شیاطین: «قد وکل الله بکل شیطان مرید سبعة من الملائكة فلیس بمحلول حتی ینقضی شهرکم هذا (122)» ؛ خداوند بر هر شیطانی که قصد شما بکند هفتاد ملک می گمارد. او را توان نفوذ در شما نیست تا ماه مبارک رمضان تمام شود.»
- 5 - قبول شدن اعمال: «عملکم فیہ مقبول (123)» ؛ عمل شما در این ماه مورد قبول است.»
- 6 - نفس ها تسبیح است: «انفاسکم فیہ تسبیح (124)» ؛ نفس کشیدن های شما در آن ماه تسبیح است.»
- 7 - خواب عبادت است: «نومکم فیہ عبادة (125)» ؛ خواب شما در این ماه عبادت است.»

روز نوزدهم: هدایت به سوی خیرات

اقسام هدایت

- 1 - تکوینی: «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» (126) ؛ «خدای ما آن کسی است که به همه موجودات عالم، وجود بخشید و سپس به راه کمالشان هدایت کرد.»
- 2 - تشریعی: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (127) ؛ «ما به حقیقت راه را به انسان نشان دادیم خواه هدایت پذیرد یا کفران نعمت کند.»

شایستگان هدایت

- 1 - مؤمن: «من یؤمن بالله یهد قلبه» (128) ؛ «کسی که به خدا ایمان بیاورد خدا او را هدایت می کند.»
- 2 - توبه کننده: «یهدی الیه من اناب» (129) ؛ «هر کس به سوی خدا باز گردد خدا او را هدایت می کند.»
- 3 - مستمسکین به خداوند: «من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم» (130) ؛ «هر کس به دین خدا متمسک شود، به راه راست هدایت یافته است.»
- 4 - مجاهدین: «والذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا» (131) ؛ «آن ها که در راه ما کوشش کنند محققا آن ها را به راه خویش هدایت می کنیم.»
- 5 - اهل تقوی: قال علی (علیه السلام): «هدی من اشعر قلبه بالتقوی» (132) ؛ آنکه قلبش تقوی را درک کرد، هدایت یافت.»
- 6 - صابران: قال علی (علیه السلام): «هدی من ادرع لباس الصبر والیقین» (133) ؛ هدایت یافت آنکه لباس صبر و یقین پوشید.»
- 7 - مخلصین: قال علی (علیه السلام): «هدی من اخلص الایمان» (134) ؛ آنکه ایمان خود را خالص نمود هدایت

یافت.»

8 - عالمان: قال علی (علیه السلام): «من علم اهتدی (135)؛ آنکه عالم شد هدایت شد.»

بهترین وسیله هدایت

1 - قرآن: قال تعالی: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» (136)؛ همانا این قرآن خلق را به استوارترین راه هدایت می کند.»

2 - اهل بیت پیامبر: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «انی تارک فیکم الثقلین ما ان اخذتم به لن تضلوا؛ کتاب الله و عترتی (137)؛ من دو چیز گرانبها در میان شما به امانت می گذارم، تا وقتی که پیرو آن ها باشید هرگز گمراه نخواهید شد؛ قرآن و اهل بیت.»

روز بیستم: توفیق تلاوت قرآن

آثار تلاوت قرآن

- 1 - بهره مندی از پاداش های الهی: «ان الذین یتلون کتاب الله ... یرجون تجارة لن تبور» (138)؛ «آنان که کتاب خدا را تلاوت می کنند امید تجارتی دارند که زیان و زوال ندارد.»
- 2 - شکوفایی ایمان: قال علی (علیه السلام): «لقاح الایمان تلاوة القرآن (139)؛ شکوفایی ایمان با قرآن خواندن است.»
- 3 - همنشین تنهایی: قال علی (علیه السلام): «من انس بتلاوة القرآن لم توحشه مفارقة الاخوان؛ (140) هر که به تلاوت قرآن انس بگیرد، جدایی از دوستان، او را به وحشت نمی اندازد.»
صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ
هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

آداب تلاوت قرآن

- 1 - پاکی و نظافت دهان: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «طیبوا افواهکم فان افواهکم طریق القرآن (141)؛ دهان های خود را پاکیزه نگه دارید، زیرا دهان های شما راه قرآن است.»
توضیح: مراد از پاکی، پاکی ظاهری و باطنی است؛ یعنی هم مسواک زدن و هم پرهیز از گناهان زبانی مانند غیبت و دروغ و ...
- 2 - استعاذه: قال تعالی: «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم» (142)؛ «ای پیامبر! هنگام قرائت قرآن از وسوسه شیطان به خداوند پناه ببر.»
- 3 - ترتیل: قال تعالی: «و رتل القرآن ترتیلا» (143)؛ «قرآن را شمرده شمرده بخوان.»
- 4 - تدبر: قال تعالی: «ا فلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها» (144)؛ «آیا به آیات قرآن نمی اندیشند؟ یا

- (مگر) بر دل هایشان قفل ها نهاده شده است؟»
- 5 - خشوع: قال تعالى: «الم يان للذين آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله» (145) ؛ «آیا نوبت آن نرسیده که گرویدگان دل هایشان به یاد خدا خاشع گردد؟»
- عروس حضرت قرآن نقاب آنکه براندازد
که دار الملك ایمان را مجرد بینداز غوغا
- 6 - صدای خوش: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «حسنوا القرآن باصواتكم» (146) ؛ «قرآن را با صدای خوش بخوانید.»

روز بیست و یکم: ایمنی از شر شیطان

شیطان و انسان

قال تعالى: «ان الشيطان للانسان عدو مبين» (147) ؛ «بدرستی که شیطان برای انسان دشمن آشکاری است.»

کسانی که از شر شیطان مصونند

- 1 - مخلصین: قال تعالى: «قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين الا عبادك منهم المخلصين» (148) ؛ «شیطان می گوید: به عزت و جلالت که همه آن ها را فریب دهم جز مخلصین را.»
- توضیح: مخلص کسی است که در صدد اخلاص خود است و سعی دارد اعمالش خالصانه باشد و مخلص کسی است که با اعمال خالصانه به مقامی می رسد که خداوند او را برای خودش خالص می گرداند.
- 2 - مؤمنین: قال تعالى: «انه ليس له سلطان على الذين آمنوا» (149) ؛ «به درستی که شیطان بر مؤمنین (واقعی) تسلطی ندارد.»
- 3 - فرد با انصاف
- 4 - کسی که در مصائب، جزع و ناله نکند.
- 5 - راضی به قسمت الهی
- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «قال ابليس: خمسة ليس فيهن حيلة و سائر الناس في قبضتي ... و من رضى لاخيه المؤمن ما يرضاه لنفسه و من لم يجزع على المصيبة حتى تصيبه و من رضى بما قسم الله له ولم يهتم لرزقه» (150) ؛ ابلیس گفت: مرا به پنج کس راه نفوذ نیست و بقیه مردم در دست من هستند ... (و از جمله آن هاست) کسی که آنچه بر خود می پسندد برای برادرش بیپسندد، کسی که در مصائب جزع و ناله نکند و صبر نماید، کسی که به قسمت خدا راضی باشد و غم روزی نخورد.»

روز بیست و دوم: توفیق

توفیق از نظر علی (علیه السلام)

- 1 - راهنما: «لا قائد للتوفیق (151)» ؛ راهنما و جلوداری چون توفیق نیست.»
- 2 - عنایت خداوند: «التوفیق عنایتة (152)» ؛ توفیق عنایت الهی است.»
- 3 - رحمت الهی: «التوفیق رحمته»؛ توفیق رحمت خداوند است.»
- 4 - جذبہ خداوند: «التوفیق من جذبات الرب»؛ توفیق از جذبہ های پروردگار است.»
- 5 - قله رستگاری: «التوفیق راس النجاح»؛ توفیق اوج موفقیت و رستگاری است.»
- 6 - برترین نعمت: «لا نعمة اجل من التوفیق»؛ نعمتی بالاتر از توفیق نیست.»

موجبات توفیق از دیدگاه علی (علیه السلام)

- 1 - طلب از خداوند: «من استنصح الله وفق (153)» ؛ آنکه از خدا طلب خیر کند توفیق یافته است.»
 - 2 - دینداری: «كما ان الجسم و الظل لايفترقان كذلك التوفیق والدین لايفترقان (154)» ؛ همان گونه که جسم و سایه جدایی ناپذیرند، توفیق و دین نیز جدایی پذیر نیستند.»
- چو توفیق الهی شد رفیقت
هدایت می کند در هر طریقت

روز بیست و سوم: موفقیت در امتحان الهی

برخی از امتحانات

- 1 - ترس
 - 2 - گرسنگی
 - 3 - ضرر مالی
 - 4 - ضرر جانی
 - 5 - آفات زراعت
 - 6 - خیر و شر
- قال تعالى: «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات» (155) ؛ «البته شما را به سختی هایی چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم.»
- و قال تعالى: «و نبلوكم بالشر و الخير» (156) ؛ «شما را با بدی و نیکی می آزمائیم.»

هدف از امتحان الهی

- 1 - تصفيه قلوب: «و ليبتلى الله ما فى صدوركم و ليمحص ما فى قلوبكم» (157) ؛ «تا خدا آنچه در سينه پنهان داريد بيازمايد و هرچه در دل داريد پاڪ و خالص گرداند.»
 - 2 - تصفيه نفوس: «ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب» (158) ؛ «خداوند هرگز مؤمنان را بدین حال كنونی وانگذارد تا آنكه بدسرشت را از پاڪ گوهر جدا كند.»
 - 3 - شناخت مجاهدين: «و لنبلونكم حتى نعلم المجاهدين» (159) ؛ «شما را امتحان می كنيم تا مجاهدين شناخته شوند.»
 - 4 - نيكوکاران: «الذى خلق الموت و الحياة ليبلوكم ايكم احسن عملا» (160) ؛ «خدایی كه مرگ و زندگانی را آفرید تا شما بندگان را بيازمايد كه کداميك از شما نيكوكارتر است.»
- نخست شرط ولی ابتلاى او به بلاياست
بلا همیشه بدو مايل است و او متمايل

روز بيست و چهارم: رضای خداوند

موجبات رضایت الهی

- 1 - زياد استغفار كردن
 - 2 - فروتنی
- افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب زمینی كه بلند است
تا يك سر موی از تو هستی باقی است
آئین دكان بت پرستی باقی است
- 3 - زياد صدقه دادن
- قال على (عليه السلام): «ثلاث يبلغن بالعبد رضوان الله: كثرة الاستغفار و خفض الجانب و كثرة الصدقة (161) ؛
سه چیز موجب رضای الهی می شود: زياد استغفار كردن، فروتنی و زياد صدقه دادن.»
- 4 - عدم تن پروری: قال على (عليه السلام): «من اسخط بدنه ارضى ربه (162) ؛ هر كس در راه بندگی بدنش را به سختی اندازد، خدا را راضی كرده است.»
- يكي درد و يكي درمان پسندد
يكي وصل و يكي هجران پسندد
من از درمان و درد و وصل و هجران
پسندم آنچه را جانان پسندد
خواهی كه خدا كار نكو با تو كند
ارواح ملائك همه رو با تو كند

یا هرچه رضای او در آنست بکن
یا راضی شو هر آنچه او با تو کند

روز بیست و پنجم: دوستی و دشمنی

تمام نظام خلقت بر پایه جاذبه و دافعه است. اگر جاذبه مولکولی نباشد، هیچ جمادی در خارج وجود پیدا نخواهد کرد.

اگر قانون جذب و دفع در نباتات نباشد، گیاهان در تنفس (گرفتن اکسیژن و پس دادن گاز کربنیک) دچار اختلال خواهند شد.

اگر قانون جاذبه و دافعه در بین حیوانات نبود، هیچ حیوانی به بچه اش شیر نمی داد و حیوانات از دشمنان خود پرهیز نمی کردند.

اگر قانون جذب و دفع عمومیت نداشته باشد، خوبی، بدی، کیفر، پاداش و بهشت و جهنم و بالاخره خلقت عالم عبث است.

انسان موجودی است متحرک و حرکت او نتیجه تعلق اوست، پس به هرچه تعلق داشته باشیم نسبت به آن جاذبه خواهیم داشت و عقلا از ضد آن گریزان خواهیم بود، لذا یاوران پیامبر اکرم در قرآن کریم با این صفت بارز توصیف شده اند: «**اشدء علی الکفار رحماء بینهم**» (163) ؛ «(یاران پیامبر) بر کافران سخت گیر و با خودشان مهربانند.»

و در زیارت عاشورا می خوانیم: «**انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم**»

محبت اهل بیت علیهم السلام

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «**لا یؤمن احدکم حتی اکون احب الیه من نفسه و یکون عترتی احب الیه من عترته و یکون اهلی احب الیه من اهله و یکون ذاتی احب الیه من ذاته**» (164) ؛ کسی از شما مؤمن نیست مگر اینکه مرا بیش از خود دوست بدارد و خانواده من نزد او محبوبتر از خانواده خودش باشد و اقوام مرا از اقوام خودش بیشتر دوست بدارد و خود من محبوبتر از خود او باشم.»

روز بیست و ششم: پوشیدن عیوب

در آتشم بیفکن و نام گنه مبر
کآتش به گرمی عرق انفعال نیست

یکی از صفات خداوند، ستار بودن است و کسی که بخواهد از صفت ستاریت خداوند بهره ببرد باید خود عیب پوش دیگران باشد.

همیشه تا بتوانی بپوش عیب کسان

به آن دلیل که دانای عیب ستار است

قال علی (علیه السلام): «فاستر العورة ما استطعت يستر الله منك ما تحب ستره من رعيتك (165)؛ زشتی های

مردم را حتی الامکان مستور بدار همانگونه که دوست می داری که خدا عیوب تو را از چشم مردم مستور بدارد.»

تجسس گری شرط این کوی نیست

در این پرده جز خامشی روی نیست

به پوشیدن ستر درویش کوش

که ستر خدایت بود پرده پوش

در گفتن عیب دگران بسته زبان باش

با خوبی خود عیب نمای دگران باش

روز بیست و هفتم: درک ليلة القدر

فضیلت های شب قدر

1 - عظمت فوق العاده: «و ما ادرك ما ليلة القدر» (166)؛ «چه چیزی می تواند تو را به عظمت این شب آگاهت کند.»

2 - شب نزول قرآن: «انا انزلناه في ليلة القدر» (167)؛ «ما قرآن را در شب قدر نازل کریم.»

3 - شب نزول ملائک و روح: «تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر» (168)؛ «فرشتگان و روح در این شب به اذن خدا از هر فرمان (دستور الهی) نازل می شوند.»

4 - بهتر از هزار ماه: «ليلة القدر خير من الف شهر» (169)؛ «شب قدر از هزار ماه بهتر است.»

5 - شب رحمت و امنیت: «سلام هي حتى مطلع الفجر» (170)؛ «شب رحمت و سلامت است تا صبحگاهان.»

6 - شب خجسته: «انا انزلناه في ليلة مباركة» (171)؛ «قرآن را در آن شب مبارک نازل کردیم.»

7 - شب تقدیر: «فيها يفرق كل امر حكيم» (172)؛ «در آن شب هر امری با حکمت تعیین می شود.»

روز بیست و هشتم: احضار مسائل

در مورد احضار مسائل احتمالات مختلفی وجود دارد که ذیلاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1 - در رابطه با انسان

الف: انسان توجه داشته باشد که به چه چیزی نیاز دارد و نیازهای ضروری اش مد نظرش باشد تا مصداق این شعر نشود که:

افسوس هر آنچه برده ام باختنی است
بشناخته ها تمام نشناختنی است
برداشته ام هر آنچه باید بگذاشت
بگذاشته ام هر آنچه برداشتنی است

ب: این که انسان در مقابل مخالفین، اهل مناظره و حاضر جواب باشد، مانند حاضرجوابی معصومین و پیروان واقعی آن‌ها مثل مفضل و بهلول.

2 - در ارتباط با خداوند

الف: در دنیا: در حین دعا بدانیم چه چیزی در اولویت است که باید از خدا بخواهیم. چنان که در دعا می‌گوئیم:

«اللهم ارزقنا ما تحب وترضی؛ خدایا آنچه موجب دوستی و رضای توست، روزیمان فرما.»

ب: در برزخ: هنگام ورود به برزخ جواب نکیر و منکر را راحت بدهیم. در دعای وضو می‌گوئیم: «اللهم لقنی حجتی یوم القاک؛ خدایا روز ملاقات با تو به من حجت القا کن.»

ج: در قیامت: آنچه را که خداوند به بندگان صالحش وعده داده است برای ما فراهم باشد. به قول شاعر:

هرچه خواهد دلت همان بینی
هرچه بینی دلت همان خواهد

روز بیست و نهم: پاکی قلب

قلب در روایات

- 1 - مرکز عواطف: «موضع العقل الدماغ والقسوة والرقعة فی القلب (173)؛ جایگاه عقل مغز است و قساوت و رقت در قلب جای دارد.»
- 2 - سرچشمه حکمت: «القلب ینبوع الحکمة (174)؛ قلب سرچشمه حکمت است.»
- 3 - گنجینه زبان: «القلب خازن اللسان (175)؛ «قلب گنجینه زبان است.»
- 4 - رهبر بدن: «ان منزلة القلب من الجسم بمنزلة الامام من الناس (176)؛ جایگاه قلب در بدن مانند جایگاه

رهبر بین مردم است.»

5 - ظروف خداوند: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «ان لله في الارض اواني الا و هي القلوب (177) ؛ خداوند در روی زمین ظرف هایی دارد که آن ها قلب ها هستند.»

انواع قلب

1 - قلب سليم: «الا من اتى الله بقلب سليم» (178) ؛ «تنها کسی سود می برد که دارای قلب سليم باشد.»

2 - قلب مطمئنه: «الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» (179) ؛ «کسانی که ایمان آوردند، قلوبشان با نام خداوند آرامش می یابد.»

3 - قلب نورانی: سئل رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: «نور يقذفه الله في قلب المؤمن (180) ؛ از پیامبر اکرم در مورد شرح صدر سؤال شد، فرمود: نوری است که خداوند به قلب مؤمن وارد می کند.»

4 - قلب بیمار: «في قلوبهم مرض» (181) ؛ «در دل های آن ها (منافقین) بیماری است.»

5 - قلب مهر خورده: «كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر» (182) ؛ «خداوند این چنین بر قلوب متکبرین مهر می زند.»

6 - قلب سخت: «فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية» (183) ؛ «چون (بنی اسرائیل) پیمان شکستند، آن ها را لعنت کرده و دل هایشان را سخت گردانیدیم.»

7 - قلب مرده: علی (علیه السلام) فرمود: «من قل ورعه مات قلبه (184) ؛ کسی که پرهیزکاریش اندک باشد، قلبش می میرد.»

ز تاثیر دل بیدار چشم تر شود پیدا

که ماه از نور خورشید بلند اختر شود پیدا

روز سی ام: ایفاء حق اهل بیت علیهم السلام

حقوق اهل بیت

1 - دوستی ایشان: «قل لا اسئلكم عليه من اجر الا المودة في القربى» (185) ؛ «بگو من در برابر اجر رسالت از شما جز دوستی اهل بیتم را نمی خواهم.»

2 - اطاعت از ایشان: «اطيعوا الله واطيعوا الرسول و اولی الامر منكم» (186) ؛ «فرمان خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا را اطاعت کنید.»

3 - حفظ احترام: «لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبی» (187) ؛ «صدایتان را از صدای پیامبر بلندتر نکنید.»

4 - تمسک به آن ها: علی (علیه السلام) فرمود: «يا ايها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاة (188) ؛ ای مردم! موج های فتنه را با کشتی های نجات (اهل بیت) بشکنید.»

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

پی نوشت ها :

- (1) بحارالانوار، ج 77، ص 112.
- (2) غررالحکم، ماده غفل.
- (3) تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 815.
- (4) نهج البلاغه، خ 153.
- (5) بحارالانوار، ج 78، ص 164.
- (6) غررالحکم، ماده غفل.
- (7) همان.
- (8) همان.
- (9) نهج البلاغه، حکمت 208.
- (10) منافقون / 9.
- (11) فرقان / 18.
- (12) تکاثر / 1.
- (13) صائب تبریزی.
- (14) حشر / 21.
- (15) یونس / 57.
- (16) کنز العمال، خ 4029.
- (17) زمر / 23.
- (18) اسری / 82.
- (19) کنز العمال، خ 2454.
- (20) مقدمه تفسیر سوره واقعه، ملاصدرا.
- (21) صحیفه نور، ج 20، ص 20.
- (22) آل عمران / 154.
- (23) بحارالانوار، ج 77، ص 203.
- (24) مولوی.
- (25) راهنمای تبلیغ، ج 7، مجلس چهارم.
- (26) غررالحکم، ماده ذکر.
- (27) همان.
- (28) اقبال و مفاتیح، مناجات الذاکرن.
- (29) بقره / 21.

- (30) عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 12.
- (31) زاريات/ 56.
- (32) غررالحكم، ماده عبد.
- (33) همان.
- (34) همان.
- (35) بحارالانوار، ج 78، ص 138.
- (36) غررالحكم، ماده عبد.
- (37) كنز العمال، خ 5250.
- (38) وسائل الشيعه، ج 11، ص 207.
- (39) سفينة البحار، ج 1، ص 245.
- (40) وسائل الشيعه، ج 15، ص 280.
- (41) كافي، ج 3، ص 180.
- (42) بحارالانوار، ج 78، ص 126.
- (43) تفسير نمونه، ج 6، ص 58.
- (44) نساء/ 103.
- (45) بحارالانوار، ج 82، ص 227.
- (46) همان، ج 10، ص 99.
- (47) همان، ج 82، ص 29.
- (48) غررالحكم، ماده صلاة.
- (49) عنكبوت/ 45.
- (50) مدثر/ 43.
- (51) ماعون/ 4 - 5.
- (52) بحارالانوار، ج 80، ص 21.
- (53) همان.
- (54) فروع كافي، ج 7، ص 51.
- (55) بحارالانوار، ج 75، ص 4.
- (56) ميزان الحكمة، ح 22582.
- (57) اعراف/ 156.
- (58) اعراف/ 56.
- (59) نساء/ 175.
- (60) غررالحكم، ماده ذكر.
- (61) همان.
- (62) آل عمران، 132.
- (63) غررالحكم، ماده فكر.

- (64) همان، ماده وعظ.
- (65) نمل / 46.
- (66) غررالحكم، ماده رحم.
- (67) همان.
- (68) بحارالانوار، ج 10، ص 84.
- (69) غرر الحكم، ماده سعد.
- (70) امالي مفيد، ص 95.
- (71) غرر الحكم، ماده سعد.
- (72) همان.
- (73) بحارالانوار، ج 98، ص 104.
- (74) غررالحكم، ماده حسن.
- (75) همان.
- (76) همان.
- (77) عنكبوت / 69.
- (78) بقره / 195.
- (79) غررالحكم، ماده حسن.
- (80) اعراف / 56.
- (81) لقمان / 3.
- (82) غررالحكم، ماده حسن.
- (83) همان.
- (84) كافى، ج 2، ص 78.
- (85) نهج البلاغه، حكمت 474.
- (86) غررالحكم، ماده عف.
- (87) همان.
- (88) همان.
- (89) بحارالانوار، ج 70، ص 4.
- (90) همان، ج 78، ص 7.
- (91) غررالحكم، ماده عقل.
- (92) ميزان الحكمة، باب تقوى.
- (93) اعراف / 95.
- (94) ميزان الحكمه، باب تقوى.
- (95) حجرات / 13.
- (96) نهج البلاغه، خ 198.
- (97) مائده / 27.

- (98) میزان الحکمه، باب تقوی.
- (99) شوری / 26.
- (100) ادیم یعنی سفره.
- (101) دعای کمیل.
- (102) طه / 25.
- (103) انشراح / 1.
- (104) اصول کافی، ج 2، ص 577.
- (105) انعام / 125.
- (106) آل عمران / 198.
- (107) مطفیین / 22.
- (108) غرر الحکم، ماده شر. (موارد شش گانه ویژگی های اشرار از این کتاب نقل شده است.
- (109) بحارالانوار، ج 7، ص 191.
- (110) همان، ج 78، ص 69.
- (111) غرر الحکم، ماده عمل
- (112) راهنمای تبلیغ، ج 7، جلسه 17.
- (113) بحار الانوار، ج 71، ص 313.
- (114) قصص / 67.
- (115) نحل / 97.
- (116) غرر الحکم، ماده عمل.
- (117) کنز العمال، خ 23743.
- (118) بحارالانوار، ج 96، ص 356.
- (119) همان، ج 74، ص 74.
- (120) همان، ج 93، ص 342.
- (121) همان، ج 96، ص 363.
- (122) همان، ج 96، ص 372.
- (123) همان، ج 96، ص 342.
- (124) همان، ج 96، ص 356.
- (125) همان.
- (126) طه / 50.
- (127) انسان / 3.
- (128) تغابن / 11.
- (129) رعد / 27.
- (130) آل عمران / 101.
- (131) عنکبوت / 69.

- (132) غرر الحكم، ماده هدى.
- (133) همان.
- (134) همان.
- (135) همان.
- (136) اسراء / 9.
- (137) معالم المدرستين، ص 48.
- (138) فاطر / 29.
- (139) غرر الحكم، ماده تلى.
- (140) همان.
- (141) كنز العمال، خ 2752.
- (142) نحل / 98.
- (143) مزمل / 4.
- (144) محمد / 24.
- (145) حديد / 16.
- (146) كنز العمال، ح 2765.
- (147) يوسف / 2.
- (148) نساء / 83.
- (149) نحل / 99.
- (150) بحار الانوار، ج 78، ص 9.
- (151) نهج البلاغه، حكمت 113.
- (152) موارد 2 تا 6 از غرر الحكم، ماده وفق.
- (153) نهج البلاغه، خ 147.
- (154) غرر الحكم، ماده وفق.
- (155) بقره / 155.
- (156) انبياء / 35.
- (157) آل عمران / 154.
- (158) آل عمران / 179.
- (159) محمد / 31.
- (160) ملك / 2.
- (161) بحار الانوار، ج 78، ص 80.
- (162) همان، ج 70، ص 312.
- (163) فتح / 48.
- (164) بحار الانوار، ج 7، ص 14.
- (165) نهج البلاغه، نامه 53.

- 166) قدر / 2.
- 167) قدر / 1.
- 168) قدر / 4.
- 169) قدر / 3.
- 170) قدر / 5.
- 171) دخان / 3.
- 172) دخان / 4.
- 173) بحارالانوار، ج 78، ص 254.
- 174) غرر الحكم، ماده قلب.
- 175) همان.
- 176) بحارالانوار، ج 7، ص 53.
- 177) كنزالعمال، خ 1225.
- 178) شعراء / 89.
- 179) رعد / 28.
- 180) مجمع البيان، ج 4، ص 363.
- 181) بقره / 10.
- 182) غافر / 35.
- 183) مائده / 13.
- 184) نهج البلاغه، حكمت 349.
- 185) شورى / 23.
- 186) نساء / 59.
- 187) حجرات / 2.
- 188) نهج البلاغه، خ 5.